کلام المیزان ذیل آیه؛ «فذلکة للسورة»

این را برای چه عرض کردم؟؛ برای اینکه حضرت علیه السلام، در ابتدای سخن، به آیه‌ای ورود کردند که مفسرین اینطور می‌گویند. حال تعبیری علامه‌ی طباطبایی، در المیزان، را ببینید. ایشان هم وقتی به این آیه می‌رسند، همینطور می‌گویند. در این پنجاه سال تا الآن، شاید ده‌ها فایل در رد و ایراد در بیان ذیل این آیه در المیزان نوشته شده باشد. رسم مرحوم علامه این است که گاهی هفت-هشت آیه را می‌آورند و بعد بحث می‌کنند اما در اینجا جالب است؛ این آیه را کلاً منفرد کرده‌اند. یعنی گویا گفته‌اند که این خودش یک آیه تامه است و باید راجع به آن بحث کنیم. وقتی شروع می‌کنند، به این صورت است:

> «(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ـ ۲۰۰.)
>
> (بيان) الآية بمنزلة الفذلكة لتفصيل البيان الوارد في السورة، وفيه تخلص منه بأخذ النتيجة وإعطائها. والمصابرة هي التصبر وتحمل الأذى جماعة باعتماد صبر البعض على صبر آخرين فيتقوى الحال ويشتد الوصف ويتضاعف تأثيره ، وهذا أمر محسوس في تأثير الفرد إذا اعتبرت شخصيته في حال الانفراد»[1].

«الآية بمنزلة الفذلكة لتفصيل البيان الوارد في السورة»؛ حاج آقا [مرحوم آیت اللّه بهجت] می‌فرمودند: به درس یک عالمی رفتند، او می‌گفت: «فذلکة البحث». یکی نگفت: «فذلکة» به چه معنا است! «فذلک» یعنی فذلک فذلک؛ یعنی خلاصه و حاصل.

می‌فرمایند این آیه، با این که یک سطر است، خلاصه و حاصل شد ِتفصیل ِهمه‌ی بیانات است. یعنی امام علیه‌السلام، در اینجا، وقتی می‌خواهند معنای «سلام» را بگویند، در کل قرآن سراغ آیه‌ای می‌روند که جامع است و همه چیز را در خودش جمع کرده است. این مساله، مهم بودن این حدیث را نمی رساند؟! لذا عرض کردم: حضرت علیه السلام همه را جمع کرده‌اند.

بعد علامه توضیح مختصری می‌دهند. در ادامه وارد بحثی می‌شوند که در این پنجاه سال اخیر، خیلی محل اختلاف است. این از جاهای المیزان است که مرحوم علامه طباطبایی از «أغوست كنت»[2] هم اسم می‌برند و یک بخشی از اصالت را به جامعه می‌دهند. «اصالة الجامعه‌ای» می‌شوند. بعداً هم در میان شاگردان ایشان، مناقشاتی شده است. برخی از شاگردان ایشان، این حرف را تأیید کرده‌اند و برخی دیگر از تلامذه‌ی ایشان، مناقشه کرده‌اند و تا الآن با فاصله‌ی پنجاه سال، چقدر شاگرد شاگرده، رد و ایراد کرده‌اند. حتی دیروز یک فایلی از سال 1399 دیدم که در در اصالة الاجتماعی نوشته شده بود که در اینجا گفته شده است و مرحوم آقای مطهری هم پی آن را گرفته بودند. در در این بود که این نمی‌شود و سر نمی‌رسد. بعد از این همه سال مناقشه ... .

شاگرد: مقصود از «اصالة الاجتماع» این است که انسان، مفطور بر اجتماعی زیستن است؟

استاد: خیر؛ بیش از اینها است. ان شاء اللّه، برای جلسه‌ی فردا، شاید مثال خوبی باشد.

منظور این‌که در المیزان فرمودند: کل آیه‌ی شریفه به این صورت است. خود ایشان هم وقتی آیه‌ی شریفه را به صورت مختصر معنا می‌کنند، خیلی زیبا می‌فرمایند که صبر مطلق است و کل چیزها را تر بر می‌گیرد: **«الأوامر مطلقة فالصبر يراد به الصبر على الشدائد، والصبر في طاعة الله ، والصبر عن معصيته ، وعلى أيّ حال وهو الصبر من الفرد بقرينة ما يقابله. والمصابرة هي التصبر وتحمل الأذى جماعة»**؛ به اجتماع رفتند. **«باعتماد صبر البعض على صبر آخرين فيتقوى الحال ويشتد الوصف ويتضاعف تأثيره، وهذا أمر محسوس في تأثير الفرد إذا اعتبرت شخصيته في حال الانفراد»**. بعد هم راجع به مصابره می‌گویند. بعد هم در مورد **«رابطوا»** می‌گویند که **«و هي إيجاد الجماعة»؛ رابطوا فقط مربوط به ثغور نیست. یعنی غیر از صبر اجتماعی که تحمل می‌کنید «وهي إيجاد الجماعة ، الارتباط بين قواهم وأفعالهم في جميع شئون حياتهم الدينية»**. این هم مختصری است که ایشان توضیح می‌دهند.

---

[1]. علامه‌ی طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۹۱.

[2]. همان، ص ۹۷.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 ژوئیه 2024 11:55:56 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئیه 2024 12:45:25 توسط ... .